

چرا پرسپولیس آری، استقلال نه؟

نگاه

شهرام وزیری

بررسی و نقادی موفقیت‌های پرسپولیس در مقایسه با استقلال برای یک استقلال‌ی قدیمی که ریشه‌ای کهن در آن تاج دارد، گرچه به ظاهر سخت است اما اگر به دور از هر تعلق خاطر با نگاهی واقع‌بینانه به علل موفقیت هاوناگامی‌های این دو مجموعه مردمی پرداخته شود، چه بسامی تواند مفید حال و راهگشای آینده هر دو تیم باشد. بنابراین باید به دور از هیاهوهای رایج و کُری خوانی هاور جز خوانی‌های بی‌مقدار، علل موفقیت‌های پی‌درپی پرسپولیس و در عین حال ناکامی‌های مکرر استقلال در لیگ برتر را مورد نقد و دقت قرار داد که علت این تفاوت‌ها در کجاست و چه شد که نتایج میدانی این دو مجموعه یک شکل و یک ساختار اینقدر متفاوت شده؟ باید بررسی کرد در مقایسه ساختاری پرسپولیس با استقلال، این تفاوت‌هاست که بیشتر به چشم می‌آید یا تشابهات ساختاری آنها؟

مگر نه آنکه از نظر نوع اعمال مدیریت‌ها چنانچه رفته و می‌رود، قد و قواره و اندازه اداره‌کنندگان‌شان در یک کارگاه ریخته‌گری - وزارتخانه ورزش - قالب خورده است؟ مگر نه آنکه اعمال مدیریت‌های زیانبار‌شان و بدهی‌های تلنبار شده‌شان و تعهدات جاری و ساری‌شان، نعل به نعل شبیه هم است؟ مگر نه آنکه بی‌وفایی‌ها و بدقولی‌های مکرر‌شان در برابر حق و حقوق مربیان و بازیکنان خودی و ایضاً طلبکاران خارجی و در نتیجه باختن‌ها در محاکم بین‌المللی همه‌کپی برابر اصل است؟ پس چه شده که پرسپولیس در این چهار، پنج فصل اخیر به خود آمد و استقلال فصل به فصل از خود بیخود شد؟ آیا موفقیت‌های این پرسپولیس هم قد و هم اندازه با استقلال از نظر ساختار مدیریتی را باید به حساب مدیریت‌های مدیران‌اش گذاشت؟ بنابراین اگر به گذشته و روند روبه‌رشد پرسپولیس نگاهی گذرا اما دقیق بیندازیم، بی‌هیچ تردید فصل الخطاب این همه موفقیت‌های سریالی برمی‌گردد به حضور شخص شخیص برانکو ایوانکوویچ. برمی‌گردد به دانایی یک مربی حرفه‌ای کاردان که با جدیت تمام اداره امور فنی تیم را از حوزه مدیران میزنشین جدا کرد و به هیچ‌کس باج نداد. مربی‌ای پایبند به مسائل اخلاقی و متعهد به قول و قرارهای حرفه‌ای (درست‌برخلاف مدیران پرسپولیس). اگر نوا امروزه روز می‌بینی که پرسپولیس چنین موفق است همه برمی‌گردد به مقاومت و پایداری سرسختانه این مردکرات در برابر سیاست‌های باری به هر جهت مدیرانی که گذری از در جلومی‌آیند و بی‌هیچ اثری و کارنامه‌ای از در پشتی غیب می‌شوند! البته در کنار تأثیرات غیرقابل‌کتمان برانکو در همه این پیروزی‌ها باید به تلاش تک‌تک بازیکنان و حضور کریم باقری مردی با سعه صدر و آرامش بخش در کنار برانکو هم اشاره داشت، بخصوص هواداران پرشوری که هرگز پشت برانکو را صد البته در برابر خودی‌های میزنشین خالی نکردند! یکی از فاکتورهای موفق برانکو را باید در پالایش به موقع بعضی از بازیکنان زیاده‌خواه و مزاحم و معترض در چرخه پرسپولیس دانست؛ کسانی چون صادقیان و مسلمان و رضاییان و... و پرکردن جای خالی آنها با کسانی چون امیری و ترابی و نعمتی و خلیل‌زاده و کنعانی‌زادگان و... ضمن حفظ ساختاری مستعد و کارآمد تا ناباورانه تحویل کال‌رون شود و سپس به همین گل محمدی خوشفکر و نجیب‌د را دامه راه برانکو برسد.

اما تو بخوان در آن سو استقلال با خود چه کرد؟ با روش آزمون و خطا با سرمایه‌هایی مثل مظلومی و منصوریان و شفر و مجیدی و استراماچونی، مدام داشت خودزنی می‌کرد! گرچه تشابه ساختاری پرسپولیس و استقلال نعل به نعل یکی است اما تفاوتش در موفقیت‌ها و ناکامی‌ها در یک سو برمی‌گردد به حضور یک مربی آگاه و یاباث و ساختار ساز و زود دیگر سو که استقلال باشد، به حضور ۵ مربی بی‌ثبات سوخته در دل مدیریت‌هایی ساختار شکن!

حمله به رکوردهای باقی‌مانده یا تقسیم قوای نفرات اصلی؟

تصمیم با گل محمدی است

علی کمانگری

یک- یک‌روز شگاه وطنی. دیدار نوازترین تیم‌های حال حاضر لیگ ایران در قائمشهر برنده نداشت. پرسپولیس یک هفته بعد از رسمی شدن قهرمانی خود، تنها با دو تغییر و حضور کنعانی به جای سید جلال و عالیشاه به جای نعمتی به میدان آمده بود تا یحیی‌نشان دهد به دنبال کسب همه رکوردها در ادامه فصل است، هر چند که تساوی در این دیدار خود به رکورد ۷ برد متوالی ۱۰۰ برد متوالی بازی‌های خارج از خانه سرخ‌ها پایان داد. آن سوی ماجرا هم محمود فکری بعد از سه تساوی و سه برد که شامل یک تک امتیاز از استادپوم آزادی و یک کامبک دیدنی مقابل فولاد مدعی سهمیه می‌شد، برای حفظ این روند خوب خود به میدان آمده بود که موفق هم شد. پرسپولیس حالا در سه هفته آتی میزبان ذوب آهن و سایپا و میهمان گل‌گهر خواهد بود. هر سه تیم‌ها برای نیفتادن تلاش خواهند کرد. پرسپولیس هم می‌تواند با کسب یک برد خارج از خانه در سیر جان و رسیدن به ۳۷ امتیاز در بازی‌های خارج از خانه، از این حیث در تاریخ لیگ رکورد دار شود. همچنین یک برد دیگر و رسیدن به ۴۱ امین برد فصل، سرخ‌ها را صاحب بیشترین برد در یک دوره لیگ خواهد کرد و سرانجام رکورد بیشترین امتیاز تاریخ لیگ برتر به همچنان به سرخ‌ها چشمک می‌زند. در بازی با نساجی یحیی نه تنها فرصت چندان‌به‌چوانانش برای حضور در ترکیب ثابت نداد، بلکه از پنج تعویض موجودش هم تنها دو تعویض را به کار برد که از بین آن دو هم تنها روستایی جزو نفراتی بود که کمتر در این فصل فرصت بازی داشتند. این در حالی است که یحیی می‌توانست برای دقایق پایانی، ربیع‌خواه یا اوساگونا را بعد از مدت‌ها به زمین بفرستد تا در شرایط مسابقه قرار گیرند، یا به محمدحسین کنعانی‌زادگان که نزدیک به ۱۸۰۰ دقیقه در این فصل برای پرسپولیس به میدان رفته، استراحت دهد تا احسان حسینی جوان هم یک محک جدی در قلب خط دفاع بخورد. سعیدحسین پور، هافبک دفاعی خوش استایل تیم پرسپولیس هم می‌توانست در کنار کامل کامیابی‌نیا قرار بگیرد تا احمد نوراللهی بعد از یک فصل فرسایشی کمی استراحت کند. باید منتظر ماند و دید یحیی چه برنامه‌ای برای سه‌دیدار آتی تیمش دارد. به هر حال بازیکنان پرسپولیس در یک فصل فرسایشی به سمری‌برند و بیافاصله بعد از پایان لیگ باید خود را مهیای رقابت‌های جام حذفی کنند و بعد هم از ۲۴ شهریور در لیگ قهرمانان آسیا به میدان بروند. از اواسط مهر هم دیدارهای تیم ملی در پیش است و احتمال ملی پوش شدن ۵ یا ۶ نفر از ترکیب پرسپولیس وجود دارد. همه این عوامل ریسک مصدومیت بازیکنان را در ادامه فصل بسیار بالا خواهد برد. شاید بهتر باشد یحیی بیشتر از آنکه درگیر اعداد و ارقامی شود که چندان اعتباری به کارنامه حرفه‌ای‌اش نخواهند بخشید، تمرکزش را روی تقسیم قوای نفرات اصلی‌اش بگذارد و فرصت به دست آمده از زود هنگام‌ترین قهرمانی تاریخ لیگ را با میدان دادن بیشتر به جوان‌ترها مغتنم شمارد.



معمای بزرگ یحیی در پرسپولیس

غرور را خُرد کن

میعاد نیک

کلیشه اشباع شدن در پرسپولیس

مأموریت جدید یحیی

سامان موحدی‌راد

پرسپولیس در قائمشهر متوقف شد. این شاید خبر مهمی نباشد. آن هم برای تیمی که خیلی زود و با فاصله زیاد نسبت به رقیب‌قهرمان شده است. با این حال این تساوی رشته‌ای از موفقیت‌های باشگاه را پاره کرد و خیزر آنها برای رکورد شکنی در فصل رکورد شکنی‌ها را ناکام گذاشت.

حالا شاید شکستن رکورد بیشترین برد خارج از خانه یا کمترین گل خورده در لیگ چندان عنوانی نباشد که حالا از دست رفتنش برای پرسپولیس ناراحت‌کننده باشد اما شاید این تساوی زنگ خطری باشد برای اتفاقی که ممکن است برای یکی از بهترین تیم‌های لیگ برتر رخ بدهد.

اتفاقی کلاسیک که اغلب در فوتبال ایرانی رخ می‌دهد و از آن هم گریزی نیست. آن هم چیزی است که اغلب در عبارت کلیشه‌ای «اشباع شدن تیم» خلاصه می‌شود. اینکه تیمی بعد از کسب چندین و چند موفقیت پی‌درپی دچار بی‌انگیزگی برای کسب موفقیت‌های بیشتر می‌شود.

البته که پرسپولیس چهار سال چنین فرم ایده‌آلی را حفظ کرده و در دام چنین اتفاقات کلیشه‌ای نیفتاده است اما شاید بخشی از این ماجرا در محرک‌هایی نهفته باشد که در آن چهار سال در تیم وجود داشت و حالا کمرنگ شده است.

رسیدن به فینال آسیا و داشتن یک سرمربی کاربلد خارجی و حتی مسائلی چون بسته‌بودن پنجره نقل و انتقالاتی که از نظر روانی مسئولیت بازیکنان تیم را بیشتر می‌کرد و آنها با حس مسئولیت‌پذیری بیشتری به میدان می‌رفتند. همه اینها حالا در پرسپولیس دیده نمی‌شود و یحیی گل محمدی حالا تنها یک وظیفه مهم دارد؛ حفظ تیمی که در بهترین شرایطش قرار دارد.

اینکه آیا یحیی گل محمدی می‌تواند در بعد روانی روی تیمش کار کند یا خیر، مسأله‌ای است که تاکنون ما به‌ازای خارجی‌ای از آن ندیده‌ایم. حداقل تاکنون یحیی در وضعیتی نبوده که تأثیر روانی خاصی روی تیم‌های تحت هدایتش گذاشته باشد. همین مسأله در کنار عدم توجه مربی‌های ایرانی به چنین فاکتور‌هایی در تیم‌های‌شان موجب می‌شود تا این زنگ خطر برای پرسپولیس به صدا درآید.

آنها خیلی راحت می‌توانند حتی به پنجمین قهرمانی متوالی‌شان دست یابند چرا که فاصله‌شان با تیم‌های رقیب همچنان زیاد است اما به شرطی که بتوانند تیم را همچنان در وضعیت عالی حفظ کنند. حفظ روحیه تیم و دوری از حاشیه‌ها می‌تواند حتی دوامی یک‌دهه‌ای به موفقیت‌های پرسپولیس بدهد؛ چیزی که همه در وهله اول از یحیی گل محمدی انتظار دارند.

بارها دیده و یا شنیده‌ایم که یک سلبریتی پس از اینکه به تمام اهدافش رسید و به همه قله‌های موفقیت صعود کرد، دیگر امید و انگیزه‌ای برای ادامه راه نداشته باشد و از اوج محبوبیت به انتهای دره فراموشی سقوط کند. پل گاسکوئین و جرج بست از نمونه‌های بارز فوتبال‌بست‌های محبوب و موفق‌اند که نتوانستند با دوران پسا موفقیت کنار بیایند و دچار پوچی و سردرگمی شدند تا عاقبت‌شان به اعتیاد به کواکین و الکل ختم شود. از این قبیل افراد و فوتبال‌بست‌ها چه در فوتبال داخلی و چه در فوتبال خارجی کم نیستند اما موضوع پرسپولیس بی‌شابهت به داستان بالا نیست.

رنال مادرید پس از هت‌تریک در قهرمانی اروپا به یک شوک بزرگ نیاز داشت و آن شوک خروج زیزو از برنابئو بود. زیدان پس از اینکه متوجه شد چیزی برای اضافه کردن به افتخارات و تهییج بازیکنانش در رختکن ندارد، از حضور روی نیمکت تیم محبوبش صرف‌نظر کرد تا مادرید با سقوط حریص‌تر شود و در مسیر موفقیت قرار بگیرد.

این سناریو را می‌توان برای پرسپولیس قهرمان این روزهای لیگ نیز تعمیم داد؛ قهرمان‌ها بابت ۴ قهرمانی و یک نایب‌قهرمانی برحسب تفاضل گل طی ۵ سال اخیر، همچنین با کسب جام حذفی و سوپر جام و رسیدن به فینال لیگ قهرمانان آسیا به هر آنچه تاکنون نیاز داشته‌اند، رسیده‌اند و عطشی در وجود خود حس نمی‌کنند. بازیکنان و مربیان تیم پرسپولیس از قهرمانی سیراب شده‌اند و آتش سال‌های بی‌جام را در این ۵ سال خاموش کرده‌اند تا انگیزه‌های بازیکنان قهرم‌پوش نیز به مرور کمتر شود. پرسپولیس پس از ثبت رکورد زودترین قهرمانی‌اش با پوکر در لیگ برتر دیگر آن پرسپولیس حریص و طمع‌کار سابق نیست.

سرخ‌پوشان که در هر لحظه از بازی برای گلزنی و تثبیت ۳ امتیاز برنامه داشتند و لحظه‌ای از حمله دست نمی‌کشیدند، مقابل نساجی در قائمشهر حتی ۲۰ درصد از آن تیم لجام‌گسیخته را نشان ندادند تا مشخص شود شیره پیروزی و میل به ابراز قدرت بین سرخ‌ها کاهش یافته و دیگر کسی خودش را برای بازی‌های تشریفاتی به مخاطره و در درسر نمی‌اندازد. پرسپولیس در دام قهرمانی‌های بیبایی خودش قرار گرفته و خوابیدن در باد این قهرمانی‌ها دمار از روزگار هر تیمی در می‌آورد. قهرمزها که دیگر قله مهمی را برای فتح در ایران روبه‌روی خود نمی‌بینند، ممکن است انتهای فصل از پرسپولیس هم جدا شوند تا تجربه‌ها و چالش‌های دیگری را تجربه کنند.

سرمربی پرسپولیس برای جلوگیری از این واقعه دردناک و افول سرخ‌ها باید چالش‌هایی هر چند فرمالیتیه را برای شاگردانش ایجاد کند تا روحیه جنگ طلبی و هجومی به اردوی قهرمزها بازگردد. قدرت یک سرمربی کاربزماتیک در چنین پرتگاه‌هایی مشخص می‌شود، وگرنه همه قهرمان شدن با بهترین بازیکنان را از بیرند.